

سفر به ماه، بزرگترین دروغ قرن بیستم



خبرگزاری فارس: ما مدارکی داریم که فرود انسان بر روی ماه در اواخر دهه 60 و اوایل دهه 70 دروغی بزرگ بوده است.

"در دروغ بزرگ همیشه قدرت معینی از قابلیت باور کردن وجود دارد. چرا که افراد زیادی از یک ملت همیشه تحت تأثیر عواطف به راحتی گول می خورند حالا یا عمدی یا سهوی. و به خاطر سادگی و بی آلابی و صداقت باور آنها، راحت تر قربانی یک دروغ بزرگ می شوند تا یک دروغ کوچک. چرا که آنها خودشان در موارد کوچک، دروغ های کوچک می گویند و از گفتن دروغ های بزرگ شرم دارند (و دولت مردان در این مورد شرمی هم ندارند). هرگز به ذهن این مردم خطور نمی کند که دروغ های خیلی بزرگ بسازند و هرگز هم باور ندارند که دیگران چنان گستاخ باشند که این چنین صداقت را بدنام کنند ولو این که مدارک این چنین دروغی را برای ذهن آنها ثابت کنند آن هم به طور آشکار، باز هم به دروغ بودن آن دروغ بزرگ شک دارند و همچنان فکر می کنند که حتماً توضیحی وجود دارد. چنین دروغ بزرگ گستاخانه ای همیشه رد پاهایی پشت سر خود به جای می گذارد. حتی بعد از این که سرهم بندی شد و توسط متخصص های جهانی دروغ گویی و تمام کسانی که برای دروغ گفتن در هر دروغ گویی با هم همکاری می کنند، به عنوان یک حقیقت شناخته شد. این افراد در حال حاضر به خوبی می دانند که چگونه از این دروغ ها برای اهداف توسعه طلبانه خود استفاده کنند"

آدولف هیتلر (1925)

حتی یک تفاله ای از کیسه ی زیاله ی زمین مانند آدولف هیتلر هم می دانست که چگونه توده های مردم را با مهارت اداره کند و گول بزند پس شما به واقع فکر می کنید که آمریکا انسان را بر روی ماه فرود آورده است؟ خوب، دوباره فکر کنید. ما مدارکی داریم که فرود انسان بر روی ماه در اواخر دهه ی 60 و اوایل دهه ی 70 دروغی بزرگ بوده است.

برای شروع بهتر است بدانید که تنها 100 نفر در پروژه فرود بر روی کره ی ماه درگیر بوده اند. مرکز کنترل در هوستون (Houston) به علاوه بیشتر زنان و مردانی که بر روی این پروژه کار کرده اند، شکمی باقی نمی گذارند که این کار یک دروغ بوده است. اما چگونه ممکن است؟ خیلی ساده. قدرت کسی که چنین افتضاحی را به بار آورده هرگز اجازه نمی دهد که کسی این تصور را داشته باشد. هزاران نفری که درگیر این ماجرا شده اند، تنها نگران قسمت کوچکی بودند که مربوط به آنها بود. مهندسان، مکانیک ها، برنامه نویسان کامپیوتری و... کاری نداشتند که با هم مشترک باشد. بنابراین بیشتر افراد از چیزی از یک پروژه ی هالیوود سر بیرون می آورد، چیزی نمی فهمند.

در سال 1962، رئیس جمهور آمریکا، جان اف کندی گفت که یک تصویری از آمریکا دارد که تا قبل از پایان این دهه می تواند انسان را بر روی ماه فرود آورد و دوباره وی را به زمین بازگرداند. امروز، ما نمی دانیم که کندی آن روز می دانست که این کار واقعاً ممکن است یا نه اما مدت کوتاهی پس از ترور او، بهترین دانشمند جهان در زمینه ی موشک که در این پروژه کار می کرد به لیندون جانسون اطلاع داد که علم حداقل تا 30 سال آینده از انجام چنین پروژه ای ناتوان است. حقیقت این است... در واقع آنها کمی خوش بین بودند. الان و اینجا ما 40 سال از آن تاریخ را گذرانده ایم و هنوز هم تکنولوژی قادر به فرستادن یک انسان به ماه و باز گرداندن سالم وی به زمین نیست. قدرت هایی که در مورد این کلاهبرداری تصمیم گرفتند به این نتیجه رسیدند که اگر آنها نتوانستند انسانی را به ماه بفرستند و به سلامت به زمین بازگردانند، کاری که آنها باید بکنند این است که از ناسا بخواهند این چنین پروژه ای را جعل کند و پس از آن میلیارد ها دلار از پول مالیات دهندگان که برای سرمایه گذاری در این پروژه در نظر گرفته شده بود را برای خود بردارند. پس از آن، آنها تصمیم گرفتند که واقعاً می توانند کل این ماجرا را جعل کنند آنهم فقط با قسمتی از پولی که برای این کار آماده شده بود. این جا در عکس زیر مکانی در ایسلند است که ما فهمیدیم که بسیاری از کلک ها و دروغ های ناسا در آن ساخته شده است.

در این جا چند حقیقت وجود دارد که باید به ذهن بسپارید که نمی شود واقعاً انسانی را به ماه فرستاد و غیر ممکن است:

ماه به طور دائم توسط شهاب سنگ های خیلی ریز که با سرعت بیست هزار مایل در ساعت حرکت می کنند، در حال بمباران شدن است. برای این که تصور درستی داشته باشید گلوله یک تفنگ با سرعت 800 مایل بر ساعت حرکت می کند. ماه هم هیچ اتمسفری ندارد که سرعت این شهاب سنگ ها را کم کند. اگر یکی از فضاوردان یا یکی از واحدهای ماه نشین توسط یکی از این شهاب سنگ ها ضربه ای ببیند حتی اگر این شهاب سنگ به اندازه ی یک دانه برنج باشد، آن وقت کار تمام است. عجیب این که ناسا در آن زمان اصلاً نگران چنین موضوعی نبود.

این یک مورد واقعاً دیگر خیلی خنده دار است. به پوتین های نیل آرمسترانگ (اولین انسانی که آمریکایی ها مدعی اند بر روی ماه پا گذاشت) نگاه کنید. به کف پوتین نگاه کنید و به عکس که ناسا ادعا می کند اولین نقش پوتین بر روی ماه بود.

این دونقش هیچ شباهتی به هم ندارند. ناسا سرانجام به خاطر اشتباهش طفره رفت و حالا ادعا می کند که پوتین هایی که آرمسترانگ روی ماه پوشیده بود قبل از این که ماه نشین او را سوار کند روی سطح ماه رها شد و به زمین بازگردانده نشد، مطمئناً همین که ناسا گفته، درست است...

یک مشکل دیگر، یک سری امواج کشنده در فضا وجود دارد نه تنها برای فضاوردان بلکه برای عکس هایی که ممکن است بخواهد گرفته شود هم کشنده است و آنها را از بین می برد. خیلی خنده دار است که ناسا سعی کرده که با حیل این رسوایی دیگر را هم از سر بگرداند. در یک دقیقه به شما نشان می دهیم که چنین عکس هایی که ناسا ادعا می کند روی ماه گرفته شده است جعلی است.

ماه بر روی زمین که 250 هزار مایل با آن فاصله دارد نور می اندازد، برای این که چنین سطحی به این روشی بخواهد وجود داشته باشد، حتماً، برای هر کس کور کننده خواهد بود. بنابراین اصلاً فکرش را هم نکنید که با تکنولوژی آن روز (حتی امروز) بتوان عکس گرفت که ظاهر هم بشود. اما هیچ کدام از چنین عکس هایی که فضاوردان گرفتند، کوچکترین مشکلی نداشت.

نیل آرمسترانگ کسی که ناسا مدعی است اولین انسانی است که با بر روی ماه گذاشت هم اکنون (این مقاله قبل از مرگ وی تألیف شده بود) دچار بیماری روح شده است چرا که تمام عمرش مجبور بوده با این دروغ زندگی کند. عجیب این که ما هیچ گاه ندیدیم که فضاوردانی که بر روی ماه راه رفته اند در یک جمع مردمی از جزئیات این سفر حرف بزنند. چرا این کار را نکردند؟ ناسا به آنها اجازه نداد.

در عکس زیر که از ماه نورد گرفته شده و مدعی شده اند که بر روی ماه حرکت کرده است هیچ رد لاستیکی در عقب یا جلوی آن دیده نمی شود.

به عکس زیر نگاه کنید علامت آمریکا بر روی سفینه ی ماه نشین با نوار چسب اسکاچ چسبانده شده این نوارچسب حتماً باید تحمل دمای 400 درجه را داشته باشد آیا می توانسته است؟ من که مطمئنم نمی توانسته شما چطور؟

به این عکس نگاه کنید عکس است از پیت کانراد از آپولو 12 اگر به قسمت بالایی کلاهش نگاه کنید، در قسمت بالا سمت راست انعکاس پروژکتور نورپردازی استودیویی را می توانید ببینید.

حالا یک چیز جالب دیگر، اولین سیگنال های ارسالی از ماه ابتدا به استرالیا رسیده است، استرالیایی های می گویند که در اولین تصویر مخابره شده دیده اند که یک نفر یک قوطی کوکاکولا را که در تصویر بوده از تصویر بیرون پرت کرده است.

یا مثلاً به این عکس توجه کنید که در آن پرچم آمریکا به آرامی توسط باد در حال تکان خوردن است. جالب این که در ماه هیچ گونه جریان بادی وجود ندارد. چون ماه اتمسفر ندارد.

برای آنکه سفر به فضا امکان پذیر شود، ناسا تأسیس شد. برنامه ی فضایی آپولو این طور وانمود کرد که انسان می تواند به فضا سفر کند و بر روی ماه پیاده روی کند. هر کدام از پروژه های آپولو با دقت تمرین می شد و سپس با دقت بسیار بیشتر در صحنه های نمایش در سایت آزمایشی فوق سری کمیسیون انرژی اتمی در صحرای نوادا و استودیوهای کاملاً امن و محافظت شده والت دیزنی که در آن یک مدل بزرگ از ماه بود، به صورت فیلم در می آمد. همه ی اسامی، مأموریت ها، محل های فرود و تمام وقایع در برنامه ی فضایی آپولو انعکاس مراسم و تشریفات سری و سمبل آیین های سری پنهان روشنفکران است. شفاف ترین چیز انفجار ساختگی سفینه ی فضایی آپولو 13 که آکوریس (عصر جدید) نامیده شده بود، که در ساعت 1:13 (زمان نظامی 1313) در 13 آوریل 1970 رخ داد. این رخداد استعاره ای از جشن درگیرکردن مرگ و انفجار، شغل تابوت سازی، مشارکت با جهان معنوی و... در این پروژه بود. سفرهای اکتشاف ماه متوقف شدند چرا که ادامه دادن این دروغ بزرگ بدون آشکار شدن آن امکان پذیر نبود و البته آنها دیگر داستانی برای سرهم کردن نداشتند.

هیچ انسانی، هیچ گاه از ارتفاع 300 مایلی بالاتر نرفت. در این ارتفاع فضاوردان تحت فشار تشعشعات کمربند ون آلن بودند و البته کمربند ون آلن از آنها در برابر بی نهایت تشعشعات کیهانی محافظت می کرد. هیچ انسانی هرگز در هیچ برنامه ی فضایی آشکار برای عموم مردم، دور ماه نگشت، روی آن فرود نیامد و روی ماه پیاده روی نکرد، هیچ کس، هیچ وقت. حتی اگر چنین چیزی هم رخ داده باشد آنهم به صورت واقعی، باید از تکنولوژی خیلی بالایی استفاده شده باشد و هیچ کس هم از آن خبر نداشته باشد (حتی حالا هم چنین تکنولوژی پیشرفته ای در اختیار ما نیست).

آن تشعشعات عظیم که در کمربند ون آلن با آن روبروی می شویم، تشعشعات خورشیدی، پرتوهای کیهانی، روشنایی خیره کننده خورشید، کنترل دما و خیلی از مشکلات دیگر به هیچ موجود زنده ای اجازه نمی دهد که با چنین سطحی از تکنولوژی که ما در اختیار داریم، از اتمسفر خارج شود. هر دانش آموز با هوش دبیرستانی با یک کتاب فیزیک پایه می تواند ثابت کند که فرود آپولو بر روی ماه توسط ناسا جعلی بوده است.

اگر باز هم شک دارید، توضیح دهید که چگونه فضاوردان روی ماه پیاده روی کردند، آن هم با لباس فضایی و در معرض نور خورشید کامل و گرمایی که در خلأ موجود در سطح ماه با درجه حرارت 256 درجه، آنها را احاطه کرده بود و تازه اینها غیر از اثرات شهاب سنگ های آسمانی، پرتوهای کیهانی، پرتوهای خورشیدی و... است. ناسا به ما می گوید که ماه هیچ اتمسفری ندارد و فضاوردان این سازمان در خلأ کامل بوده اند.

گرما با به عنوان حرکت و لرزش مولکول های ماده معنی می شود. حرکت سریع مولکول ها، یعنی دمای بالاتر. حرکت آرامتر مولکول های یعنی دمای پایین تر. صفر مطلق دمایی است که در آن حرکت مولکول ها، متوقف می شود. برای داشتن گرما یا سرما، باید مولکول هایی موجود باشند.

خلأ حالتی از نیستی است که هیچ مولکولی وجود ندارد. خلأ هم درجانی دارد. دانشمندان معتقدند که خلأ کامل وجود ندارد. فضا شبیه ترین چیز به خلأ کامل است که برای ما شناخته شده است. در جایی که ما به عنوان فضا می شناسیم مولکولهای بسیار کمی وجود دارد که مفهوم اندازه گیری سرما و گرما در آن غیر ممکن است. این همان دلیلی است که براساس آن ما از فلاسک یا بطر های خلأ برای نگهداری مایعات سرد یا گرم استفاده می کنیم تا بدون نیاز به دوباره سرد کردن یا دوباره گرم کردن، دمای آنها حفظ شود.

همه ی انواع پرتوها در خلأ حرکت می کنند اما هیچ تأثیری برخلا ندارند. پرتوهای گرمایی خورشید در فضا حرکت می کنند اما فضا را گرم نمی کنند. در واقع پرتوهای گرمایی خورشید به هیچ وجه تأثیرگذار نیستند تا وقتی که به ماده برخورد کنند. حرکت های مولکولی وقتی انرژی موجب به صورت مستقیم توسط ماده دریافت شود، زیاد می شوند. زمانی که طول می کشد تا ماده بر اثر نور مستقیم خورشید در فضا گرم شود، به رنگ نور، خواص عنصری آن، فاصله از خورشید، و نرخ جذب موج گرمایی توسط ماده بستگی دارد. فضا داغ نیست. فضا سرد نیست.

اجسامی که گرم می شوند به وسیله ی فضا نمی توانند سرد شوند. اولین کار برای سرد کردن یک جسم این است که آن را از معرض نور مستقیم خورشید دور نگه داریم. چیزهایی که در سمت سایه ی یک چیز دیگر قرار دارند، عاقبت سرد می شوند، اما نه به خاطر این که فضا سرد باشد. فضا سرد نیست. گرما و سرما در خلأ فضا وجود ندارد. قوانین حرکت دستور می دهند تا مولکولها آهسته تر حرکت کنند. اگر هیچ منبع گرمایی دیگری نباشد، اجسام بالاخره سرد می شوند، اما از آنجایی که خلأ موجود در فضا یک عایق کامل محسوب می شود، زمان زیادی طول می کشد تا یک جسم سرد شود حتی زمانی که به طور کامل از معرض امواج گرمایی یا دیگر امواج خارج شود.

ناسا تأکید می کند که لباس هایی که فضاوردان مثلاً روی سطح ماه پوشیده بودند، دارای تهویه مطبوع بوده است. یک سیستم تهویه مطبوع بدون تبادلگر گرمایی، نمی تواند کار کند. یک تبادلگر گرمایی به طور ساده این طور کار می کند که گرمایی را که در یک میانجی مثل گاز فریون، جمع شده است را می گیرد و به جای دیگری منتقل می کند. برای این که سیستم تهویه مطبوع کار کند و گرما را به مکان دوم انتقال دهد، به یک میانجی دیگر که مولکول هایش گرما جذب کند مثل هوا یا آب احتیاج دارد. (این میانجی دوم در آشپزخانه خانه، هوای موجود در آشپزخانه است). یک سیستم تهویه مطبوع نخواهد توانست که در خلأ کار کند. یک لباس فضایی که در محاصره ی خلأ قرار دارد نمی تواند گرمای داخل لباس را بگیرد و به مکانی دیگر بدهد. به یاد آورید که خلأ یک عایق کامل است. در چنین شرایط محیطی ای، یک انسان در لباس فضایی خود، بریان می شود.

ناسا ادعا می کند که لباس فضایی آنها به وسیله یک سیستم آب پایه که در لوله های اطراف بدن فضاوردان کار می کرده است، خنک می شده است که آن هم توسط یک محافظ ماریپچی در قسمت پشتی لباس فضاوردان، از نور خورشید محافظت می شده است.

ناسا ادعا می کند که آب بر روی ماریپچ اسپری می شده تا لایه ای از یخ ایجاد شود. ظاهراً پس از آن، یخ که آن گرمای عظیم را جذب کرده است بخار می شده و به فضا می رفته است. در این مورد دو مشکل وجود دارد که به هیچ وجه قابل توضیح نیست:

1- میزان آبی که برای انجام این کار باید توسط فضانورد حمل شود، حتی برای زمان بسیار کوتاهی (آنهم برای دمای 155 درجه بالای نقطه ی جوش آب) آنقدر زیاد است که برای فضانورد امکانپذیر نیست.

2- ناسا ادعا کرده است که آنها یخ در سطح ماه پیدا کرده اند. ناسا ادعا می کند که محافظت توسط یخ (در برابر پرتوهای خورشید) اطهارات جعلی آنها را در مورد سیستم تهویه مطبوع را نقض نمی کند.

این را به خاطر داشته باشید. در مورد این موضوع فکر کنید آن هم وقتی که یک روز صبح با یک فلاکس پر از قهوه بیرون می روید. در این مورد خیلی طولانی و عمیق فکر کنید آن هم وقتی که یک فوجان قهوه ی داغ (4 ساعت پس از صبح) می ریزید تا با نهار بنوشید. باز هم در این مورد فکر کنید که چگونه چنین چیزی ممکن است آن هم در آخر روز وقتی باز هم یک فوجان قهوه ی گرم دارید که بخورید.

قوانین یکسان فیزیکی در مورد هر وسیله ای که در فضا سفر می کند، اعمال می شود. ناسا ادعا می کند که فضاپیما به آرامی چرخش می کرده است تا قسمت های قرار گرفته در سایه، به وسیله ی سرما ی جان فرسای فضا سرد شود... سرمای جان فرسای که وجود ندارد. در واقع تنها کاری که چرخش سفینه می توانسته انجام دهد، آن بوده است که گرمایی ثابت و حتی بیشتر برای سفینه را سبب شود همانند وقتی که شما یک هات داگ را روی آتش می چرخانید. در واقع یک غذا که نامش فضانورد آپولو بوده است، پخته می شده است. حداقل کاری که می شود کرد این است که وقتی سفینه به زمین بازمی گردد شما دلتان نمی خواهد که در سفینه را باز کنید.

ناسا خودش هم بهتر می داند که اگر چنین سیستم خنک کننده ای برای لباس فضانوردان تعبیه کرده بوده است، باید برای سفینه مدل بزرگترش را قرار می داده است. هیچ راکتی چنین حجم عظیمی از آب (برای سفینه و فضانوردان) را حتی برای زمانی کوتاه نمی توانسته حمل کند.

آب وزنی حدود 62 پوند بر فوت مکعب دارد. فضا و جرم آبی به این مقدار، برای حمل توسط راکت ها خیلی خطرناک بوده است. هیچ گاه چنین مقدار عظیمی از آب در هیچ مأموریتی نه برای فضانوردان نه برای سفینه ها، حمل نشده است.

بر روی نوارهای ضبط شده به اصطلاح سفر به ماه، فضانوردان به تلخی از سرمای که در حین سفر نیز بر روی سطح ماه با آن روبرو بوده اند، شکایت کرده اند. آنها گفته اند از گرماسازهایی استفاده کرده اند که برای غلبه بر سرمای وحشتناک فضا کافی نبوده است. انجام چنین حيله ای هم ضروری بوده است چرا که مجبور می شده اند روزی حقیقت را بگویند. حقیقت را. این حيله همچنین مدرکی از خوراک و غرور است که در آن روشنفرکان همچنان کارهای انسان های معمولی را انجام می دهند.

چیزی که ما شنیدیم در واقع از یک سیستم سرمازای قوی در صحنه ی نمایش و ضبط فیلم مأموریت آپولو 11 بوده است. این صحنه ی نمایش و فیلم سازی در سایت آزمایش فوق سری کمپسیون انرژی اتمی در صحرای نوادا قرار داشته است جایی که دمای هوا به طور معمول 100 درجه فانهایت است. در گرمای مستقیم خورشید، فضانوردان هرگز نباید سردشان می شده است حتی در فضا که خلأ آن یک عایق کامل است.

به عنوان مدرک، ماه نشین را که در مؤسسه ی اسمیت سونیان (smithsonian institute) در معرض نمایش عمومی قرار دارد، بررسی کنید و به هسته ی موتور راکت که درون ماه نشین قرار داده شده است توجه کنید که به قسمت بالایی نازل راکت در قسمت پایین مرکزی ماه نشین متصل شده است. این همان موتور راکتی است که می گویند نیروی اضافه برای فرود بر ماه و برخاستن از آن را فراهم کرده است. در نمونه ی واقعی ماه نشین این موتور راکت موجود است اما در فیلم ها و عکس هایی که گفته می شود روی ماه از ماه نشین گرفته شده است دیده نمی شود. پس از آن نظری به شبیه ساز ماه نشین بیندازید و شما خواهید فهمید که دقیقاً کجا چنین حقه ای به صورت فیلم درآمده است.

یک فکر خوب دیگر هم برای عملی کردن وجود دارد. این که اندازه ی ابعاد فضانوردان در لباس های فضایی شان و ابعاد واقعی درب ورود و خروج ماه نشین را اندازه بگیرید. همچنین ابعاد داخلی ماه نشین را اندازه بگیرید و پس از آن خواهید فهمید که فضانوردان (یا همان دروغگوها) نمی توانسته اند با لباس فضانوردی از درب ماه نشین وارد آن شوند یا از آن خارج شوند. (واقعاً حواس پرتی هم حدی دارد). محل لوله های درب ورود و خروج توجه کنید و سپس به شبیه ساز آموزش ماه نشین نگاهی بیندازید و همه ی ابعاد را اندازه بگیرید (همه ی آنها یی که در بالا گفته ام) و حالا حواستان به محل لولا های درب ورود و خروج خیلی بزرگتر باشد تا روشن شوید...

ناسا ادعا می کند که لباس های فضایی ای که فضانوردان پوشیده بودند، در سطح ماه فشارشان را 5psi بالاتر از فشار محیط برده اند (فشار خلأ صفر psi است) ما دستکش هایی را که ناسا ادعا می کند فضانوردان در دست کرده اند را امتحان کردیم و فهمیدیم که آنها از مواد قابل انعطاف ساخته شده اند و هیچ وسیله ی مکانیکی، الکتریکی یا هیدرولیکی در آنها تعبیه نشده است تا هنگامی که آنها را در دست دارند، به انگشتان آنها کمک می کنند. آزمایش ها به روشنی نشان می دهد که چنین امکان استفاده کردن از چنین دستکش هایی وجود ندارد به طوری که پوشنده ی آنها امکان خم کردن مچ یا انگشتان را برای انجام هیچ کاری ندارد وقتی که با فشار پنج psi بالاتر از فشار محیط پر شده باشد، حالا در خلأ باشد یا در جو زمین (فرق نمی کند). به واقع ناسا فیلم ها و عکس هایی را نشان داد که در آنها فضانوردان از دست ها و انگشتان شان به راحتی در طی به اصطلاح سفر به کره ی ماه، استفاده می کنند. فیلم به وضوح نشان می دهد که به هیچ وجه هیچ فشاری درون دستکش ها وجود ندارد... شرایطی که در آن بیهوش شدن به علت کاهش فشار اتمسفر به صورت آبی و انفجاری رخ خواهد داد و نتیجه ی آن تقریباً مرگ ناگهانی است، اگر واقعاً فضانوردان در محیط خلأ باشند. اگر باور نمی کنید، خودتان امتحان کنید. یک آزمایش ساده است و لازم نیست که حتماً متخصص موشک باشید. اینها چند دلیل، از بیش از یک صد دلیل ساده و راحت برای اثبات قابل قبول علمی ماجرا بود که نشان می دهد چگونه ناسا و برنامه ی فضایی آپولو بزرگترین دروغ هایی بوده اند که به مردم راست پندار جهان، قبولانده شده است.

ما تلاش کردیم که اطلاعاتی در مورد فعالیت هایی در منظومه شمسی که همزمان با پروژه ی آپولو فعال بوده اند، تهیه کنیم. فهمیدیم که این اطلاعات برای تمام روزها و تمام سالها قابل دسترسی است، غیر از روزها و ساعت هایی که مأموریت آپولو (به اصطلاح) در حال انجام بوده است. این اطلاعات از هیچ سازمان دولتی شامل ناسا، سازمان ملی اقیانوس و اتمسفر (NOAA) و رصدخانه دریایی قابل تهیه نیست. این اطلاعاتی است که به طور عادی جمع آوری می شود (چیز عجیبی برای پنهان کردن ندارند) و شامل تاریخ های پرتاب، تاریخ ها و زمان های فرود و آسیب های سنگین ناشی از پرتوها می باشد. این اطلاعاتی است که باید وقتی که فضانوردان با ماه پیمای ماه حرکت می کرده اند، مشاهده می شده است، اگر که به واقع فضانوردی روی ماه بوده باشد. این اطلاعات قابل دسترسی نیست چرا که اثبات خواهد کرد که آن فضانوردان کذایی مثل سیب زمینی برشته شده اند. جسد آنها باید به زمین بازمی گشت اگر واقعاً آنها، تلاش کرده اند چنین مأموریتی انجام دهند.

به علاوه، اگر تمام دلایل بالا را کنار بگذاریم فیلم ها و عکس هایی مأموریت آپولو به راحتی جعلی بودن آن را اثبات می کند. هر کسی با کمترین سطح اطلاعات درباره ی استودیوهای فیلم برداری، استودیوهای نورپردازی و واقعیت های فیزیکی ماه به راحتی می تواند ثابت کند که مدارک برصی پروژه ی فضایی آپولو (عکس ها و فیلم ها) توسط ناسا جعل شده است. هیچ فیلم رنگی ای برای بشر این قدر شناخته شده نیست که شامل چنین جزئیات عالی در سایه ها و قسمت های روشن عکس هایی که گفته می شود روی ماه گرفته اند، باشد. هر عکاس حرفه ای که این عکس ها را ببیند به شما می گوید که چنین عکس هایی در محیط های کنترل شده ای گرفته

شده اند و چنین عکسی متعلق به محلی با تابش مستقیم نور خورشید، و آنهم در خلأ نیست. بعضی از این اشکالات و اختلاف ها در عکس ها چنان است که حتی کسانی که هم که خیلی خوش بین هستند، وقتی این اختلافات را برای آنها روشن کنی به من و من شنیدنی ای می افتند. بعضی ها واقعاً به يك شوک آرام فرو می روند. برخی در هم می ریزند و گریه می کنند. من خودم کسانی را دیده ام که به شدت عصبانی شده اند و در حالی که این عکس ها را پاره می کنند، جیغ هم می زنند.

کلینیک نکت (kleinik nekt) فرمانده ی عملیات های ناسا در زمان پروژه ی آپولو، الآن هم "عضو فراماسونری سی و سومین مرتبه " است و برادرش هم حاکم مطلق و مشهور هیئت سی و سومین مرتبه از رسم اسکاتلندی باستانی و پذیرفته شده ی فراماسونری است (فراماسونری یعنی فراموش خانه) این عضویت جایزه ی او برای مقاومت در چنین ماجرابی بوده است. همه ی گروه اولین فضانوردان فراماسون بوده اند. عکسی از نیل آرمسترانگ (اولین کسی که مثلاً روی ماه پیاده شد) در خانه ی معبد واشینگتن وجود دارد که در آن نواری که علامت فراماسونری است روی ران او آنهم بر روی ماه قرار دارد. همه ی اعضای بلند پایه ی رسمی ناسا جزء اشراقیون، مارکسیست ها یا کمونیست بوده اند و هستند.

اتحاد جماهیر شوروی فقط يك برنامه ی فتح ماه سرنشین دار را برنامه ریزی کرده آن طور که من تحقیق کردم کیهان نوردهای شوروی وقتی که از کمربند ون آلن بالاتر رفته اند، جزغاله شده اند. شوروی هیچ گاه دوباره تلاشی برای فرستادن انسان به کمربند ون آلن یا بالاتر از آن صورت نداد. (کاری شبیه کاری که عقل سلیم می کند). وقتی که انسان نمی تواند از تشعشعات سنگین کمربند ون آلن جان سالم به در ببرد، چگونه می تواند روی ماه فرود آید؟ اتحاد جماهیر شوروی برنامه ی فرستادن انسان به ماه را منحل کرد.

اثری که این ماجرا بر روی انسان های جهان داشت، این بود که اگر ما می توانیم به ماه سفر کنیم، دیگر موجودات زنده ی کیهان هم می توانند به زمین ما سفر کنند. سناریوی حمله ی بیگانگان به زمین از آن زمان مرسوم شده است.

فاش سازی های اخیر در باره ی طبیعت کلاهبردار ناسا و برنامه ی فضایی آپولو که توسط اداره ی اطلاعات و دیگران صورت گرفت موجب سیل تبلیغات و برنامه ی تلویزیونی شد تا مردم گول خورده در خواب عمیق جهالت باقی بمانند. بلندپروازترین آنها "آپولو 13" و "از زمین تا ماه" هستند که در هر دو بازیگر و تهیه کننده ی معروف، تام هنکس کار کرده است.

حقایق آپولو

1- نیل آرمسترانگ هم اکنون (این مقاله قبل از مرگ آرمسترانگ تهیه شده است) هم اکنون از بیماری روحی رنج می بود. که نتیجه ی مستقیم قراردادن او به عنوان سنگ بنای بزرگ ترین دروغ تاریخ است. شاید هم از این که تعداد بیشمار سایت اینترنتی را او دروغگو می خوانند.

2- شایعه ای هست که می گوید فضانورد آپولو 12 پیت کنراد (pete conrad) قصد داشته که در جشن سی امین سالگرد ازدواجش در منظر عموم از جعلي بودن فرود بر ماه پرده بردارد. او در يك تصادف با موتورسیکلت، يك هفته قبل از سی امین سالگرد ازدواجش کشته شد.

3- هم اکنون، برای شاتل فضایی 66 ساعت طول می کشد که به ایستگاه فضایی بین المللی که در 185 مایلی سطح زمین قرار دارد، برسد. ناسا می گوید که آپولو 13 از وقتی که از زمین بلند شد، 55 ساعت طول کشید که در فاصله ی 200 هزار مایلی زمین به مشکل برخورد. (185 مایل در 66 ساعت با تکنولوژی امروز و 200 هزار مایل در 55 ساعت با تکنولوژی 40 سال پیش) بهتر است به کسی دیگر نگوئید. شاید مسخره تان کردند.

4- یوری گلر (Uri Geller) یکی از افراد سرشناس جهان در وب سایت خودش، می گوید که عکس های ناسا از برخی برنامه های آپولو به طرز احمقانه ای، جعل و ساخته شده اند، و می پرسد که چرا؟ یوری دوست صمیمی فضانورد آپولو 14، ادگار میچل (Edgar Michell) است. حالا ما از او می پرسیم که چرا از دوست خودت نمی پرسی که چرا عکس ها جعلی هستند؟

5- رئیس، لیندون جانسون، اسناد مشخصی از آپولو را طبقه بندی کرد و دستور داده تا سال 2026 از طبقه بندی خارج نشود. این کار را کرد تا تمام کسانی که در پروژه ی آپولو درگیر بوده اند، مرده باشند و فراموش شده باشند، و هیچ کسی برای عیب جویی کردن زنده نمانده باشد. اگر کسی بخواهد حقیقت پشت سر برنامه ی آپولو را بداند، لازم نیست تا 2026 صبر کند. همین الآن بر همه آشکار است.

6- در اوایل دهه ی 1960 مسئولان ناسا طی جلسه ای پشت درهای بسته، فهمیدند که سفر انسان به ماه قبل از 1970 امکان پذیر نیست. پس تصمیم گرفتند که این قضیه را در پروژه ی آپولو 11 عملی کنند آنهم با جعل کردن قضیه، به این امید که بعدها بتوانند به ماه سفر کنند و این حرفه را مخفی و مدفون نگه دارند که هرگز موفق به سفر واقعی به ماه نشدند.

7- نویسنده معروف سی کلارک از آپولو 11 به عنوان "حفره ای در تاریخ" یاد می کند و مورخ بزرگ ای.جی.پی تیلور از آپولو 11 به عنوان "بزرگترین اتفاقی که در طول زندگی اش نیفتاد" یاد می کند.

8- ناسا در آن زمان ماه نشین را تکمیل نکرده بود. اکنون 40 سال از آن تاریخ می گذرد و ناسا هنوز نتوانسته يك راکت که به ماه برود و برگردد را بسازد کاری که ادعا می کند 40 سال پیش انجام داده است. آن هم با سرنشین.

9- فیلمی که از درون کپسول تمام آپولوها (تأکید می کنم تمام آپولوها) گرفته شده است، يك نور آبی کم رنگ را نشان می دهد و همچنین خمیدگی زمین را نیز از پنجره ی فضاپیما نشان می دهد. این فیلم به ادعای ناسا در نیمه ی راه سفر به ماه و در تاریکی و سیاهی فضا گرفته شده است. این نور آبی ثابت می کند که کپسول فقط در حال چرخش به دور زمین بوده است.

10- تصاویر ماه که در سایت ناسا دیده می شود جعلی هستند و در آنها پشت صحنه ی تئاتر دیده می شود. عکس ها يك خط سیاه که با مداد کشیده شده است را در جایی که پس زمینه به نور روز در آسمان می رسد آشکار می کند که در آنجا به طور ناگهانی تاریک می شود.

11- ماه نشینی که در آخرین مأموریت ها استفاده شده است دقیقاً همان نمونه های اولیه است به طور مثال هیچ گونه اصلاحی در آن صورت نگرفته است. حمل ماه نشین به ماه حتی اگر خیلی کوچکتر هم می شده است، غیر ممکن بوده است.

12- ماه پیما دارای تاپرهایی قابل بادکردن بود که اگر از قبل بادشده بود و به ماه رفته بود، آنجا منفجر می شد. حالا اگر بدون باد هم به ماه می رفت، آنجا هواپیما برای باد کردن آن وجود نداشت. سنجابهای حرفه ای پروژه ی آپولو می گویند که ماه پیما دارای تاپرهایی ماه پیما همراه با شبکه فلزی محکم بوده است. بله، ماه پیمای موجود در موزه که از اواسط دهه ی هفتاد (پنج شش سال پس از اولین سفر به ماه) به جا مانده است، چنین خصوصیتهای دارد. چرا که سنجابها فهمیدند که تاپرهایی باد شونده به هیچ وجه (چه در زمین باد شونده چه در ماه) در ماه قابل استفاده نیستند. ناسا 40 سال وقت داشته است که به اصلاح اشتباهات ساده و آشکار برنامه ی آپولو بپردازد. هر وقت کسی ایرادی می گرفته است، ناسا این اشتباهات را اصلاح می کرده است و چیزی نمی گفته است مثلاً آنها نمی توانند بگویند چرا این همه چیز خلاف قاعده

در اولین محل فرود وجود دارد. در هر صورت من عکس هایی از ماه پیمای که تصور می شود بر روی ماه بوده است، در اختیار دارم که دقیقاً همان تاپرها و حتی والوهای تاپرهای را دارد که در مرکز هوایی کندی استفاده می شود به عبارت دیگر آنها یک نوع و یک جنسی هستند. از زمانی که چنین اشتباه بزرگی در وب سایت من مثل بمب منفجر شد، تصاویر اولیه که از نمای نزدیک از ماه پیمای بود و در اینترنت قرار داشت، تغییر کرده است.

13- غیر ممکن بوده است که بتوان لباس فضایی ای در اختیار داشت که آنهم بر روی ماه با آب خنک شود، در حالی که دمای بیرون در نقطه ی جوش آب باشد. و هیچ جایی برای پراکنده کردن گرما در آن وجود نداشته باشد.

14- براساس تحقیقات مرکز تحقیقات لانگلی (Longley Research Center) در همیتون ویرجینیا، ماه پیمای ابتدا از جایی آویزان بوده است و دقیقاً در همان زمانی که در ماه دروغین ادعا می کنند که حرکت می کرده است، به آرامی پایین آورده شده است. (در عکس دیدید که هیچ رد تاپری در جلو و عقب تاپرهای ماه نشین نیست).

15- فضاوردان هم از چنین چیزی آویزان بوده اند تا کم وزنی در سطح ماه را نشان دهند. عکس های سایت Reality را با عکس های سایت ناسا مقایسه کنید. نوسان غیر منطقی زیاد پای عقبی در هر دو سری عکس، یکسان است.

16- فیلم هایی که می گویند توسط آپولو 8 که مثلاً دور ماه گشته است گرفته شده است، دقیقاً همان فیلم هایی است که برای مأموریت آپولو 11 نشان داده شده است. به جز این که معکوس شده است و وارونه گشته است. رشته کوههای تادپول لایک (tadpole like) را چک کنید.

کاری که ناسا انجام داد این بود که سطح ماه دروغین را در مرکز تحقیقات لانگلی (LRC) فیلم برداری کرد، در یک مسیر رفت، سپس دوربین را معکوس کرد و سطح را در جهت معکوس فیلم برداری کرد چیزی که در فیلم ها مشهود است دیده می شود.

17- فیلم هایی که نشان می دهد آپلودور ماه گشته است، توسط یک دوربین سوار بر ریل که به آرامی دور مدل گچی ساختگی ماه می چرخد، گرفته شده است.

18- جیمز لاول که از روی یک متن پیش نوشته در شبیه ساز ماه نشین برای فیلم بالا می خوانده است در جایی از فیلم می گوید که "ظاهرأ ماه اصلاً خاکستری بوده است. هیچ رنگی در کار نبوده است. مثل یک مجسمه گچی به نظر می آید. این صدا خیلی پیشتر از مأموریت آپولو ضبط شده است. با دقت به این نوار گوش دهید (با هدفون) ببینید که اوبه سختی تلاش می کند جلوی خنده ی خود را بگیرد. چرا کسی که دیگر باید فکر کند چنین مأموریت عظیم و بزرگی چیز خنده داری است؟ جواب این است که به واقع آن ماه کذایی یک مجسمه ی گچی واقعی بود که وی به آن اشاره می کرد.

19- در یک مصاحبه ی تلویزیونی بین شینامک دونالد و مدیر اجرایی ناسا، دن گلدن (Dan Golden) (معروف به Dan Dare) در سال 1994، دن گلدن آشکارا پذیرفت که انسان نمی تواند از مدار زمین خارج شود، مادامی که بر پرتوهای کیهانی غلبه کند. او در حالی این سخنان را گفت که هیچ اشاره ای به پروژه آپولو در 25 سال قبل از آن نکرده بود، مأموریتی که تصور می شود که انسان 250 هزار مایل از مدار زمین دور شده است.

20- نیل آرمسترانگ هیچ عکس یادگاری یا چیزی شبیه به آن از سفر مثلاً به ماه ندارد. اما او عکس های فراوانی از روزهای تست خلبانی اش جمع کرده بود. آرمسترانگ که خود می دانست این حماسه آمریکایی یک دروغ بزرگ است، از طرف ناسا مجوزی برای داشتن این عکس ها نداشت.

21- در سال 2009 ناسا هنوز به تکنولوژی فرستادن انسان به ماه و بازگرداندن ایمن وی از ماه نرسیده است. خوب انجام چنین کاری در سال 1962، یعنی 40 سال پیش واقعاً یک شاهکار صنعتی و فضایی بوده است. شما که در این مورد شک می دارید؟

انگیزه هایی در مورد این حقه ی کثیف:
چندین نظریه در مورد علت چنین حقه ای توسط نظریه پردازان این ماجرا بیان شده است:

1- پرستیژ جنگ سرد: ایالات متحده آمریکا فهمید که برای او خیلی حیاتی است که در رقابت فضایی برنده شود آنهم در برابر اتحاد جماهیر شوروی. رفتن به ماه خیلی خطرناک و البته پرهزینه بود. علیرغم توجه شوروی و گوش به زنگ بودن آن، بیل کیسینگ (Bill keysing) ادعا می کند که برای آمریکا جعل کردن چنین چیزی خیلی راحت تر بود و در نتیجه موفقیت را تضمین می کرد. آنهم بهتر از زمانی که واقعاً بخواهد بر روی کره ماه فرود بیاید.

2- پول: ناسا در آن زمان هزینه ی سفر به ماه را 30 میلیارد دلار آمریکا برآورد کرد. بیل کیسینگ ادعا می کند قسمتی از چنین پولی می توانست انگیزه لازم برای صدها نفر جهت شرکت در این حقه باشد.

3- خطر: این بحث و جدل ها به این نتیجه رسیدند که مشکلات اولیه برای سفر به فضا غیر قابل حل کردن است ولو این که شما تیم مجهز و با پول کافی برای حل چنین مشکلاتی داشته باشد. کیسینگ ادعا کرد که شانس موفقیت برای فرود بر روی کره ی ماه فقط 17 هزارم درصد بود.

4- حواس پرتی مردم: با توجه به اظهارات نظریه پردازانی که ادعا می کنند چنین پروژه ای حقه ای بیش نبوده است، آمریکا از حواس پرتی عمومی مردم در جنگ ویتنام استفاده کرد. فعالیت های آمریکا برای فرستادن انسان به ماه ناگهان متوقف شد، مأموریت های از قبل برنامه ریزی شده کنسل شد و همه ی اینها تقریباً در همان زمانی که آمریکا از جنگ ویتنام دست کشید، متوقف شد. (اما برنامه آپولو چندین سال قبل از پایان جنگ ویتنام، متوقف شد).

5- وفای به عهد: برای این که قول رئیس جمهور فقید آمریکا جان اف کندی برای فرستادن انسان به ماه و بازگرداندن وی به زمین قبل از پایان دهه ی 60 عملی شود. مقایسه تکنولوژی آمریکا با شوروی:

در زمان پروژه ی آپولو 11، شوروی 5 بار بیشتر از آمریکا پروازهای سرنشین دار به فضا فرستاده بود شوروی برای اولین بار به موارد زیر دست یافته بود:

1- قراردادن اولین ماهواره ی ساخت بشر در فضا (اکتبر 1957، سفینه اسپوتنیک 1)
2- فرستادن اولین موجود زنده به فضا، سگی ماده به نام لایکا (نوامبر 1975، اسپوتنیک 2)
3- اولین بازگشت سالم موجودات زنده از مدار به زمین شامل 2 سگ، 40 موش، 2 موش صحرایی (اگوست 1960، اسپوتنیک 5)
4- اعزام اولین انسان به فضا، یوری گاگارین، همچنین اولین انسانی که به دور فضا گشت (آوریل 1961، وستوک 1)
5- اولین دارنده ی همزمان 2 سفینه ی فضایی در مدار (اگوست 1962، وستوک 3 و وستوک 4)
6- اولین زن در فضا، ولنتینا ترش کف (ژوئن 1963، وستوک 6، به عنوان قسمتی از دومین پرواز سفینه های فضایی دوبل شامل وستوک 5)
7- اولین راهپیمایی فضایی (EVA) (مارس 1965 voskhod2)

در 27 ژانویه سال 1967 سه فضاورد آپولو 1 در حین آزمایش در قسمت پرتاب در آتش سوختند و جان باختند. اولین پرواز سرنشین دار در آپولو 7 صورت گرفت در اکتبر سال 1968 (یک سال قبل از سفر به ماه) و 21 ماه پس از آن آتش سوژی (اگر آمریکا پس از 1 سال از اولین پرواز سفینه سرنشین دار به فضا توانست، انسان را روی ماه فرود آورد آیا شوروی پس از 40 سال نمی توانست).

چند سؤال اساسی:

1- در مورد سنگ‌هایی که از ماه آورده شده اند چه می‌گویند، این سنگ‌ها ثابت می‌کنند که فرود روی ماه واقعاً صورت گرفته است؟ پاسخ: نه این طور نیست. این سنگ‌ها بیشترین ناکتیک مورد استفاده ی ناسا و PAN است، اما هیچ چیز را ثابت نمی‌کند. ناسا مدت‌ها قبل از مأموریت آپولو به تولید سنگ‌های شبیه‌سازی شده ی ماه می‌پرداخته است که این موضوع در کتابی که در سال 1966، سه سال قبل از آپولو 11، چاپ شده است، اثبات شده است. این سنگ‌های شبیه‌سازی شده از سنگ‌بازالت و نمونه‌شهاب سنگ‌های پیدا شده در آنتراکتیکا ساخته شده است. این سنگ‌های شبیه‌سازی شده که به دانشگاه‌های سرتاسر جهان فرستاده می‌شود به نظر واقعی می‌رسد. (که این طور نیست). این سنگ‌های شبیه‌سازی شده، البته از هر نمونه سنگ موجود روی زمین متفاوت به نظر می‌آید و ناسا هم همین را می‌خواهد. این دلایلی است برای آن که زمین‌شناسان می‌گویند چنین سنگ‌هایی در هیچ کجای زمین پیدا نخواهد شد. البته که چنین نیست چون این سنگ‌ها فقط توسط ناسا تولید شده است و با سنگ‌های اصلی متفاوت است. ناسا سنگ‌های شبیه‌سازی شده و عبارات شبیه‌سازی شده ی ماه را آن قدر ارزان تولید کرده است که بابتش لازم نیست پولی بدهد، غیر از هزینه ی حمل و نقل آن.

2- چرا آنها تلسکوپ هابل را روی ماه تنظیم نمی‌کنند تا مصنوعات دست بشر را که در ماه جا مانده است ببینیم؟ هابل از اموال ناسا است و توسط ناسا هم هدایت می‌شود، کسی که کل این ماجرای ساختگی را راه انداخت. بنابراین نمی‌توان کاری کرد. به عنوان راه حلی دفاعی، ناسا به خبررسان‌ها و سایت‌های علمی پول‌هایی پرداخت کرد، (مثل فیل پلایت از Phit Plait یا Bad astronomy) تا ادعا کنند که تلسکوپ هابل قابل به انجام چنین کاری نیست و نمی‌تواند محل‌های فرود را ببیند. اما واقعاً چه درجه‌ای از تفکیک پذیر (Resolution) برای آنها مورد نیاز است؟ هابل در واقع می‌تواند تا 50 متری سطح ماه را ببیند. چیزی که به اندازه کافی هست تا بتوان مصنوعات بشری به جا مانده روی ماه (به ادعای ناسا البته) را دید.

حالا شما توجه کنید که سطح ماه، ابر یا اتمسفری ندارد که نشود آن را دید. ناسا در واقع تصاویر با کیفیت بسیار بالایی از ماه در اختیار دارد که آنها را در اختیار رسانه‌ها نمی‌گذارد چرا که اولین چیزی که مردم می‌خواهند این است که چیزهایی که روی سطح ماه جا مانده است را ببینند و مسلماً چیزی هم در آنجا نیست.

3- در مورد بی‌وزنی چه می‌گویید، آیا چنین چیز در زمین و با گرانش قوی آن امکان دارد؟ این هم یکی دیگر از ادعاهایی است که در عین‌خنده دار بودن، هیچ چیز را ثابت نمی‌کند. فیلم در نور کم گرفته شده است، به علاوه یک فیلم سیاه و سفید با کیفیت خیلی پایین است. از آنجایی که چنین تجربه‌ای در فاصله‌ی زیادی از دور بین صورت گرفته است، به راحتی می‌تواند چیزی جعل کند. آیا با یک طناب و چند حقه‌ی سینمایی نمی‌توان چنین کاری کرد. من می‌خواهم به شعبده‌بازی نظیر دوید کاپرفیلد اشاره کنم. کسی که شیرین‌کاری‌های خیلی بزرگتری انجام داد (حقه‌های بصری) آن هم در فاصله‌ی یکی دو متری از تماشاچی. یکی از شیرین‌کاری‌هایی که خود او هم در آن شرکت داشت، نصف کردن بدن خودش با یک ابره برقی بود. پس از 2 تکه‌ی جدا شده‌ی بدن او به دو طرف صحنه‌ی نمایش برده می‌شود. اگر طرفداران فرود بر روی کره‌ی ماه واقعی بودن آن را قبول دارند، آیا قبول می‌کنند که دوید کاپرفیلد هم واقعاً به دو تکه بریده شده بود؟

4- چرا ستاره‌شناسان بزرگی مثل سربرنارد لاول (Sir Bernard Lobell) و پاتریک مور (Patrick Moore) از این ناسا در این ماجرا حمایت می‌کنند، اگر که می‌گویند چنین چیزی صحنه‌سازی است؟ دانشمندان و ستاره‌شناسان سراسر زمین به خوبی می‌دانند که چنین ماجرای ساختگی است، اما از ناسا طرفداری می‌کنند تا به اطلاعات حساسی که از تلسکوپ هابل به زمین ارسال شده است دسترسی داشته باشند. آنها نمی‌توانند به ناسا دهن کجی کنند که در این صورت ناسا آنها را از دستیابی به چنین اطلاعات گرانبهایی محروم می‌کند. اطلاعاتی که واقعاً مورد نیاز هستند.

5- در مورد انعکاس‌دهنده‌ی لیزری که در سطح ماه قرار داده شده است و با آن می‌توانند فاصله‌ی زمین تا ماه را بفهمند چه می‌گویید؟ در سال 1946، دانشمندان در آمریکا توانستند یک سیگنال رادیویی به سطح ماه ارسال کنند و با موج رادیویی برگشتی از ماه توانستند فاصله‌ی دقیق ماه را به دست آورند. در اوایل دهه‌ی 60 ناسا فهمید که می‌تواند این آزمایش را خیلی بهتر هم انجام دهد و این کار را با یک باریکه پرقدرت نور لیزر با دقت بیشتری انجام دهد. در این سناریو، نور لیزر از ماه به سمت زمین منعکس و برگشت می‌شود، دقیقاً همان طور که نور خورشید از ماه به زمین منعکس می‌شود. در 9 مه‌ی سال 1962 (بیش از 7 سال قبل از آن که آپولو 11 مثلاً بر روی ماه نشست) یک لیزر پرقدرت یا قوتی با موفقیت روی سطح ماه تابانیده شد و به زمین منعکس شد تا فاصله‌ی دقیق ماه از زمین بدون آنکه لازم باشد، چیزی در سطح ماه تعبیه شود، مشخص شود. هیچ منعکس‌کننده‌ی لیزری روی سطح ماه نیست و هرگز هم نبوده است. ناسا هم اکنون از همان روشی استفاده می‌کند که در سال 1962 قبل از حقه‌ی فرود بر ماه، از آن استفاده می‌کرد. اتفاقاً ناسا برنامه‌ای دارد تا بتواند با یک لیزر پرقدرت تر فاصله‌ی دقیق مریخ تا زمین را محاسبه کند. آیا باز هم این جا می‌گویید که فضاوردان منعکس‌کننده‌ی لیزری روی ماه گذاشته اند تا فاصله‌ی آن با زمین را اندازه بگیرند؟

6- چرا آمریکا فرود بر روی ماه را جعل کرد، آیا از نظر آنها شوروی احمق بود؟ نه آنها کاری نکردند که روسها را احمق جلوه بدهند. و هیچ کس هم قبول ندارد که روسها آن قدر احمق باشند که این گونه گول بخورند؟ روسیه در آن زمان (و حتی الان در بعضی قسمت‌ها) (1) فناوری فضایی پیشرفته‌تری از آمریکا داشت و حتی در زمان سخنرانی کندی می‌دانست که فرستادن انسان به ماه و برگشت وی از ماه غیر ممکن است. این ماجرا جعل شد تا به غرب ثابت شود که آمریکا در تکنولوژی فضایی از شوروی برتر است (در زمان مسابقه فضایی آمریکا و روسیه، همیشه در هر کاری روسها، اولین بودند، مثلاً فرستادن اولین انسان به فضا) چرا که دنیای غرب ایمان خود در مورد قدرت آمریکا را از دست داده بود و آمریکا هم چنین ارتباط ضعیفی با خود را نمی‌توانست، شاهد باشد. هیچ رقابت فضایی آن طور که ناسا ادعا می‌کند وجود نداشت. روسیه به هیچ وجه، هیچ گاه قصد فرستادن انسان به ماه را نداشت چرا که می‌دانست و البته آزمایش کرده بود که چنین کاری غیر ممکن است.

7- آیا ریچارد نیکسون در پس این قضایا بود؟ اگر چه نیکسون مسئول مأموریت‌های آپولو در آن زمان بود، مستقیماً مسئول چنین کاری نبود، اگر چه او می‌دانست یا حداقل باید می‌دانست که آنها در حال جعل این ماجرا هستند. برنامه ریزی و آماده‌سازی شرایط ساختن این ماجرا در اوایل دهه‌ی شصت صورت گرفت و از این نظر لیدون بی‌جانسون رئیس‌ی بود که در پروژه‌ی آپولو بیشترین اطلاعات در اختیارش بود.

8- در مورد این همه انسان که در پروژه‌ی آپولو درگیر بوده اند، چه می‌گویید، آیا هیچ کس نمی‌خواست که این راز را فاش کند؟ طرفداران می‌گویند که نیم میلیون نفر انسان در این پروژه درگیر بوده اند، اما این آمار شامل تمام مهندسان دون پایه در تمام شرکت‌های سراسر دنیا هم می‌شود. حالا اگر یک مهندس در کارخانه‌ای در سیاتل دارد قطعه‌ای می‌سازد و رئیس او به او می‌گوید که این قطعه را برای پروژه‌ی آپولو می‌سازیم، آیا این مدرکی دال بر رخ دادن فرود بر روی کره‌ی ماه می‌شود؟ البته که نه. این که مدرک نمی‌شود. ولو این که اگر آن مهندس می‌دانست که هرگز این قطعه را برای سفر به ماه نساخته اند، باز هم پیش همه است که به کره‌ی ماه رفته است تا این که یک جوهرهایی احساس غرور کند. قطعات مورد نیاز برای آپولو در کارخانه‌های مختلف بسیاری در سراسر

جهان ساخته شد. مثلاً منعکس کننده ی لیزری که تصور می شود بر روی ماه قرار گرفته است، توسط فرانسه ساخته شده است. ناسا یونیت را از کمپانی فرانسوی گرفت و این آخرین چیزی بود که آنها دیدند. احتمالاً این قطعه در جایی مثل لانگی بایگانی شده است، اما چیزی که با اطمینان می شود گفت این است که این قطعه روی ماه نیست. آیا آن مهندسان فرانسوی مدرکی برای فرود انسان بر روی ماه محسوب می شوند؟

نه، البته که نه، افراد خیلی کمتری (کمتر از 200 نفر) مستقیماً در این ماجرا درگیر شده اند تا تعداد افرادی که شاهد وقوع اتفاق واقعی هستند، به حداقل برسد. هیچ نیازی نیست که آنها حرفی بزنند و افشاگری نکنند چون آنها واقعاً نسبت به آمریکا حس وطن پرستی دارند و هیچ چیز در مخالفت این قضیه نخواهند گفت. حتی اگر دروغ بزرگی به مردم قبولانده شده باشد. این دلیل اول، اما دلیل دوم، آنها به میلیون ها دلار پول نیاز ندارند تا به فکر آینده ی خود باشند، چون همین الان پول زیادی از ناسا بری ساکت ماندن می گیرند.

9- چرا روسیه برای فاش کردن این دروغ کاری نکرد؟

این هم یکی دیگر از دستاویزهای طرفداران واقعی بودن این ماجرا است. اما آنها در واقع بر حقیقتی تکیه کرده اند که روسیه چگونه پیشرفت های فضایی آمریکا در اوایل دهه ی شصت را مسخره می کرد (طی دوره ی خورشچف/کندی). خورشچف همیشه شکست های آمریکا را به مسخره می گرفت و پرواز فضایی آلن شیارد را که 15 دقیقه بیشتر طول نکشیده بود، در برابر آنچه روسها انجام داده بودند، پرواز یک کک خوانده بود. اما وقتی که دوره ی خورشچف در سال 1964 به پایان رسید، رهبر جدید روسیه، برژنف هرگز آمریکا را مسخره نکرد و روسها فقط سرشان به کار خودشان بود. اما چیزی که خیلی از مردم نمی دانند این است که جعلی بودن فرود بر روی کره ی ماه، در همان زمان، هم در روزنامه های روسیه و هم در روزنامه های سراسر جهان مورد بحث و تأیید قرار گرفته بود اما آن داستان ها از طرف رسانه های غربی بایکوت شده بود. به یاد آورید که در سال 1969 شوروی کشوری بود که در همه جا جاسوس داشت (یک نمونه از این جاسوس ها: کیم فیلیپ رئیس بخش ضدشوروی سازمان جاسوسی خارجی انگلیس موسوم به MI6 خود جاسوس شوروی بود و تا دهها سال هر شب چمدانی از اسرار و مدارک وزارت خارجه ی انگلیس را مثل زنبیل سبزی برای گرفتن میکرو فیلم به خانه های امن (کا گ ب) سازمان جاسوسی شوروی) می برد.

روسیه می توانست برای جهان فاش کند که این ماجرا، جعلی بوده است و احتمالاً این کار را می کرد اگر خورشچف همچنان بر سر قدرت بود اما کشورهای غربی به آسانی این کار را دلیلی بر حسادت روسیه بر پیروزی آمریکا بر روسیه در این رقابت می خواندند. اما روسها برنامه ی بهتری در سر داشتند، برای این که بدانید این برنامه چه بوده است باید با نحوه ی کار ایدئولوژی کمونیست ها در سال 1969 آشنا باشید. در آن زمان اتحاد شوروی تصور می کرد که جاودانه خواهد ماند و هرگز تصور نمی کرد که به 20 کشور تقسیم شود و نهایتاً برای 50 سال عمر کند. راه حل آنها برای این کار ناسا این بود که عقب بنشینند و حرفی نزنند و در امن و امان تصور کنند که در آینده ای نه چندان دور تمدن غرب از خواب بیدار خواهد شد و خواهد فهمید که دولت آمریکا به آنها دروغ گفته است. این کار خیلی ها را در برابر آمریکا قرار خواهد داد و رسانه های غربی احساس خواهند کرد که رودست خورده اند و احمق به نظر آمده اند و بیشتر از این نمی توانند به آمریکایی ها اطمینان کنند. این دقیقاً همان چیزی بود که شوروی انتظار داشت، رخ دهد مثلاً رسانه هایی در مقابل منبع صحیح و موثقی قرار بگیرند که بیشتر از این قابل اعتماد نیست. اگر روسیه همچنان دولت کمونیستی بود، رهبران آن به دولت آمریکا می خندیدند که این گونه توسط شهروندان خودش تحت فشار قرار می گیرد.

و در پایان هیچ چیز را اگر باور نکردید، اشکالی ندارد. فقط به من بگویید چرا در 40 سال پیش انسان به ماه رفت و سالم برگشت، اما حالا دیگر قادر به چنین کاری نیست؟

پی نوشت :

1- آمریکا به علت نیاز به فناوری و همکاری فضایی و تکنولوژیکی روسیه، شرکت های صنعتی روسیه را که با ایران همکاری می کنند و همزمان در صنایع فضایی با آمریکا همکاری می کنند را تحت تحریم قرار نمی دهند.

منابع:

1. Theconspiracyzone.podcastpeople.com
2. Wikipedia.org
3. moondeception

.....

منبع: راسخون